

نقشه جامع تدوین جامعه‌شناسی اسلامی

محمد عارف محبی

کارشناسی جامعه‌شناسی، ارشد کلام و دانش آموخته سطح چهار جامعه‌المصطفی

ma.mohebbi2014@gmail.com

چکیده

علم در سیر طبیعی خود بر پایه تقاضاهای تراکم‌یافته شکل می‌گیرد. تکیه‌گاه طبیعی راهبردهای معطوف به تولید علم دینی، اصل «کشش تقاضا» است و ضروری است که اصل «فشار علم» و دخالت ارادی برای تسریع این فرایند، به شکل منطقی تنظیم گردد. بر مبنای همین نگرش، سعی شد که در تدوین نقشه جامع برای تولید جامعه‌شناسی اسلامی، اولاً: تمام مراحل تولید آن، از مرحله فرضیه‌سازی تا مرحله بهره‌وری، به عنوان یک کلیت به هم پیوسته تصویر شود؛ ثانیاً: با توجه به محورهای اصلی رویکردهای فعال در این حوزه، میدان حضور «همگرایانه» برای همه آن‌ها فراهم گردد. در نهایت ساختار کلی نقشه جامع مورد نظر، بر بنیان اصول و محورهای اساسی «ضرورت و تقاضا»، «تولید و نظریه‌پردازی»، «عرضه و بهره‌وری» صورت‌بندی شده‌اند و بر همین اساس، اهداف، اصول راهبردی و برنامه‌های عملیاتی مندرج در آن، سازمان‌دهی گردیده‌اند.

کلیدواژه‌ها: علم دینی، جامعه‌شناسی اسلامی، ضرورت و تقاضا، نظریه‌پردازی، بهره‌وری، شبکه نخبگانی.

مقدمه

تولید علم، از منظر تاریخ علم و جامعه‌شناسی معرفت، پدیده‌ای است که در پاسخ به پرسش‌های تراکم‌یافته شکل گرفته و عمدتاً در قالب پروسه‌های بلندمدت تاریخی و به شکل طبیعی سامان می‌یابد. اما چنین روندی را نباید به عنوان قانون محتوم برای تولید علم تفسیر نمود؛ زیرا در تاریخ علم شواهد فراوانی از قبیل کانت و ابن خلدون وجود دارند که به شکل آگاهانه و در چارچوب نقشه‌ای از قبل طراحی شده، علم خویش را تدوین و تولید نموده‌اند. منتها شکی در این نیست که تولید علم در چارچوب برنامه‌ای معین، کار دشوار و نیازمند نقشه جامعی است که بتوان بر مبنای آن، فرایند تولید علم را به شکل روشن ترسیم نمود. نقشه جامع، عمدتاً دوره‌های زمانی بلندمدت را پوشش می‌دهد و برای کشورهای در حال توسعه که هنوز در مراحل تمهید زیرساخت‌های علم و فناوری هستند معنادار است (ذاکر صالحی، ۱۳۸۸: ص ۳۱). نقشه جامع، فراتر از ترسیم چشم‌انداز آینده در قالب بیان اهداف و اصول راهبردی، نیازمند آن است که به عنوان سند بالادستی استحکام منطقی داشته باشد و در عین حال چارچوب مناسب برای فعالیت مجموعه دیدگاه‌های فعال در عرصه تولید علم نیز به حساب آید.

با توجه به نکات فوق، در تدوین نقشه جامع برای جامعه‌شناسی اسلامی، اولاً: سعی شده است تا میان فرایند طبیعی تولید علم (کشش تقاضا) و دخالت ارادی (فشار علم) برای تسریع این فرایند، به شکل منطقی جمع گردد؛ ثانیاً: تکیه‌گاه‌های محوری مجموعه رویکردهای فعال، از قبیل رویکردهای «مبناگرا»، «فرامبنا»، «اجتهادی» و «تهذیبی» مدنظر بوده و تلاش شده است تا میدان حضور «همگرایانه» برای همه آن‌ها فراهم شود؛ ثالثاً: کلیه مراحل در فرایند تولید علم جامعه‌شناسی اسلامی، از مرحله فرضیه‌سازی تا مرحله بهره‌وری، به عنوان یک کلیت به هم پیوسته لحاظ شده است. بر مبنای چنین منطقی و ملاحظاتی است که ساختار نقشه جامع مورد نظر، بر مبنای اصول کلی «ضرورت و تقاضا»، «تولید و نظریه‌پردازی»، «عرضه و بهره‌وری» استوار شده است و بر همین اساس، اهداف، اصول راهبردی و برنامه‌های عملیاتی مندرج در آن، سامان‌دهی گردیده‌اند.

ضرورت و تقاضا

علم در سیر طبیعی خود بر بنیاد نیازها و تقاضاهای تراکم‌یافته شکل می‌گیرد. در تدوین نقشه جامع برای تولید جامعه‌شناسی اسلامی، نباید این الزام منطقی و ظرفیت طبیعی نادیده گرفته شود. از این رو، تکیه‌گاه‌های اصلی راهبردها و برنامه‌های معطوف به این مسئله، باید با محوریت

«کشش تقاضا» نه «فشار علم»، تعیین و تعریف گردد. بر این اساس ضروری است که هرچه بیشتر، احساس ضرورت و نیاز برای جامعه‌شناسی اسلامی، در میان جامعه علمی و از آن طریق در سطح کل جامعه گسترش یابد. عنصر بنیادین و خاستگاه اصلی برای افزایش چنین تقاضایی توجه به نیازهای تمهیدشده در فطرت انسانی است. استعدادهای فطری در تعامل با فضای عمومی جامعه رشد می‌یابد و شکوفا می‌گردد. جامعه‌شناسی اسلامی، مبتنی بر فطرت انسانی است و صرفاً در فضای فرهنگی هم‌سو با کشش‌های فطری انسان‌ها قابل تولید و مصرف است.

جامعه‌شناسی موجود از متن تمایلات غریزی انسان‌ها برخاسته و در فضای فرهنگی «غریزه‌مدار» رواج یافته است. به همین دلیل نیازهای بنیادین انسان و جامعه انسانی در آن مغفول مانده است و در تنافی جدی با الزامات زیست‌متعالی انسان‌ها قرار دارد. فطرت و غریزه، اصول بنیادین و معیارهای عام برای نقد جامعه‌شناسی غربی و تصحیح نیازهای جامعه انسانی برای تدوین «جامعه‌شناسی نوین» اسلامی محسوب می‌شود. زیرا علم و عالم برساخته‌های همدیگرند. علم متناسب با تقاضاهای موجود در عالم به وجود می‌آید و به تصحیح کاستی‌ها و نارسایی‌های عالم کمک می‌کند و به مهندسی علمی آن می‌پردازد. نقد جامعه‌شناسی موجود و تلاش برای تدوین جامعه‌شناسی جدید، به ترتیب معطوف به نفی نیازهای معیوب صرفاً غریزی و تقویت نیازها و تقاضاهای فراگیر فطری غریزی است.

نقد جامعه‌شناسی موجود

جامعه‌شناسی، علم مهندسی اجتماعی است؛ طرح مهندسی جامعه معطوف به اهداف، اوضاع و شرایط اجتماعی معنا می‌یابد. علم جامعه‌شناسی برای حل مسائل و بحران‌های فراگیر در غرب متجدد به وجود آمد و بیشتر در مانگر و کمتر سازنده بود. امروزه که بحران‌های تجدید شدت یافته است و از پایان تجدید سخن گفته می‌شود، علوم اجتماعی نیز وارد مرحله‌ای تازه گردیده و در نقد این جهان به تفکر پست‌مدرن میل کرده است (داوری اردکانی، ۱۳۸۲: ص ۴۹). همان‌گونه که دانش مدرن به دلیل ابتنا بر بنیان‌های معیوب فلسفی، در تبیین مسائل جوامع انسانی عاجز ماند، تفکر پست‌مدرن آشفته‌تر از آن است که توان مهندسی منطقی جامعه بشری را داشته باشد. نقد جامعه‌شناسی موجود هرچند از جهات مختلف مهم است، اما برای تولید جامعه‌شناسی اسلامی، نقش مبنایی و حیاتی دارد. زیرا بدون درک صحیح از هویت دانش موجود نمی‌توان از اندیشه تولید علم جدید به درستی دفاع کرد (بستان، ۱۳۷۸: ص ۹). چه اینکه جامعه‌شناسی اسلامی، نه تنها با اثبات ناکارآمدی جامعه‌شناسی موجود موضوعیت پیدا می‌کند که اساساً متناظر با آن شکل گرفته

است و استحکام می‌یابد.

الف. اهداف نقد

علم دینی در درون عالم دینی شکل می‌گیرد و این عالم وقتی به وجود می‌آید که عالم قبلی بی اعتبار گردد (رهداد، ۱۳۹۲: ص ۳۲۴-۳۲۵). برای عبور از عالم و علوم مدرن، باید آن‌ها را با تمام زمینه‌هایی که دارند به صورت یکپارچه بشناسیم (پارسانیا، ۱۳۹۱: ص ۲۶۴). اهداف مورد نظر در این قسمت با توجه به هدف اصلی یعنی بی اعتبار ساختن دنیای مدرن و بسترسازی برای تدوین و استحکام جامعه‌شناسی اسلامی، عبارت است از: یک: تبیین کاستی‌های «مبانی»، «روش» و «پیامدهای بهره‌وری» از جامعه‌شناسی موجود برای جوامع بشری، به خصوص برای کشورهای در حال توسعه و امت اسلامی؛ دو: تقویت بنیادهای علمی نخبگان از طریق آشنایی با جریان‌های فراملی (منطقه‌ای و بین‌المللی) هم‌سو با تولید جامعه‌شناسی اسلامی و استفاده از ظرفیت‌های علمی آن‌ها و اجتناب از تکرار کارهای انجام‌شده.

ب. اصول راهبردی نقد

اصول راهبردی، ناظر به تحقق اهداف مورد نظر، تعریف و طراحی می‌شوند. راهبردها؛ نقشه راه و اصول استراتژیک برای رسیدن به اهداف‌اند؛ اهداف، امور کلی و انتزاعی هستند. راهبردها در سطح انتزاعی انضمامی طراحی گردیده‌اند و ظرفیت بیشتری برای تبدیل شدن به برنامه‌های عملیاتی دارند؛ راهبردها در واقع اصول راهنما برای طراحی و تدوین برنامه‌های عملیاتی محسوب می‌شوند. در تدوین «نقشه جامع جامعه‌شناسی اسلامی» سعی می‌شود کلیه محورهای مورد نظر بر همین مبنا، ساختار بندی گردد. با توجه به اهداف نقد جامعه‌شناسی موجود، اصول راهبردی معطوف به آن را می‌توان در قالب محورهای زیر تعریف و دسته‌بندی نمود:

۱) شناسایی اهرم‌های نقد

مراد از اهرم‌های نقد، اصول و عناصر بنیادینی است که ساختمان جامعه‌شناسی غربی بر بنیان آن‌ها بنا گردیده است و با فروریختن آن‌ها، این بنا نیز فرومی‌ریزد. با دقت در ساختار جامعه‌شناسی موجود، محورهای ذیل عهده‌دار چنین نقشی می‌باشند:

• در حوزه مبانی: انکار حقایق فراتجربی (خاکی قراملکی، ۱۳۹۲: ص ۲۳۴) و تقلیل

- واقعیت هستی به عالم ماده؛ تنزیل شأن انسان و جامعه انسانی؛ ناتوانی در خلق نیازهای متعالی و متناسب با منزلت تکاملی و... (رهداد، ۱۳۹۲: ص ۳۲۶)؛
- در حوزه روش: واقع‌نمایی معیوب و ناقص از واقعیت اجتماعی به دلیل ابتنا بر ماتریالیسم روش‌شناختی و اصالت‌دادن به حس و تجربه (پیروزمند، ۱۳۹۱: ص ۴۰۳)؛ نسبی‌گرایی در پارادایم‌های تفسیری، انتقادی و پارادایم‌های پست‌مدرن: گفتمانی، پسا‌ساختارگرایی و هرمنوتیکی (خسروپناه، ۱۳۹۱: ص ۳۰۸-۳۰۶)؛
 - در حوزه غایت‌شناسی: ترویج لذت‌گرایی حسی (واسطی، ص ۱۳۹۱: ۷۷۸) و غفلت از نیازمندی‌های فطری و متعالی انسانی؛ به این معنا که در جامعه‌شناسی موجود، شکلی از زندگی، مطلوب تلقی می‌گردد که قطعاً مطلوب ما نیست (کچویان، ۱۳۹۱: ص ۳۷۴)؛
 - در حوزه بهره‌وری: ناتوانی در حل دغدغه‌های اصلی بشریت، از قبیل امنیت، عدالت، آزادی، رفاه و... (پیروزمند، ۱۳۹۱: ص ۴۰۳)؛ ناتوانی مضاعف در حل مسائل جوامع غیرغربی، به دلیل ورود ناقص در این جوامع و تفاوت مسائل جامعه غربی با مسائل جامعه اسلامی (پیروزمند، ۱۳۹۱: ص ۴۰۱-۴۰۰).

۲) شناسایی و بهره‌گیری از دیدگاه‌های هم‌سوی فراملی

- استفاده از تجربه‌ها و ظرفیت‌های جریان‌های فعال برای بومی‌سازی یا دینی‌سازی (منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای) جامعه‌شناسی.

۳) شناسایی و نقد وضعیت جامعه‌شناسی در ایران

- تبیین کاستی‌های آموزشی: گرایش‌ها، سرفصل‌ها، اساتید و...؛
- تبیین کاستی‌های ترویجی و پژوهشی: ترجمه و تدوین کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مجلات و...

ج. برنامه‌های عملیاتی

۱. برنامه‌های کوتاه‌مدت

- اولویت اول: تدوین نقشه جامع از مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی در غرب به منظور مدیریت نهضت ترجمه و نقد در داخل کشور؛

- اولویت دوم: تدوین نقشه جامع از وضعیت موجود جامعه‌شناسی در کشور؛
- اولویت سوم: نقد هرم‌های مکاتب و نظریه‌های رایج جامعه‌شناسی در کشور؛
- اولویت چهارم: تدوین نقشه جامع از نیازمندی‌های علمی و عملی جامعه اسلامی به گرایش‌های جامعه‌شناسی موجود؛ به‌منظور مدیریت نظام آموزشی و پژوهشی و تشخیص دادن اینکه آموزش و پژوهش در کدام بخش‌ها و با چه گرایش‌های در عین حال که نیازهای اجتماعی را در کوتاه‌مدت و میان‌مدت مرتفع می‌سازد، تدوین جامعه‌شناسی اسلامی را در بلندمدت نیز تسهیل می‌کند یا حداقل آن را به تأخیر نمی‌اندازد.

۲. برنامه‌های میان‌مدت

- اولویت اول: مدیریت نیازمندی‌ها و بهره‌وری از جامعه‌شناسی به‌منظور تضعیف دیدگاه‌های متضاد با ارزش‌های دینی؛
- اولویت دوم: ایجاد تعامل با جریان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای منتقد جامعه‌شناسی موجود؛
- اولویت سوم: نقد کلیت مبانی فلسفی و روشی جامعه‌شناسی غربی.

۳. برنامه‌های بلندمدت

- اولویت اول: اجتناب از بهره‌وری عناصر ناسازگار تمدن غربی با ارزش‌های اسلامی؛
- اولویت دوم: نقد مبانی تمدن غربی؛
- اولویت سوم: نقد سبک زندگی در دنیای مدرن؛
- اولویت چهارم: هم‌سویی با مجموعه جریان‌های منتقد تمدن غربی به‌منظور عبور از عالم غربی.

تبیین جامعه‌شناسی مطلوب

معیوب‌دانستن جامعه‌شناسی موجود بر مبنای معیارهای نظام معرفتی اسلام، مستلزم تولید جامعه‌شناسی مطلوب اسلامی است. هرچند عده‌ای معتقدند که با تصرف جزئی، اصلاح و تهذیب می‌توان جامعه‌شناسی معیوب موجود را ترمیم و تکمیل نمود؛ اما جریان غالب با رویکرد تصرف کلی، درصدد تدوین علم جدید است. تدوین علم جدید دینی، نیازمند عالم دینی است. عالم دینی با آرایش و پیرایش دین ساخته نمی‌شود، بلکه برای رسیدن به آن باید راهی برای بیرون‌شدن از جهان

غیردینی جست؛ این بیرون شدن وقتی ممکن می شود که طرحی از مدینه الهی، جان و دل مردمان را تسخیر کرده باشد (داوری اردکانی، ۱۳۸۲: ص ۳۴). در چنین شرایطی است که بستر مناسب برای تولید جامعه‌شناسی اسلامی فراهم می گردد.

عالم دینی به صورت اجمالی همان «عالم فطرت بشری» است. بشر در هنگام تولد هر چند اندیشه ندارد، اما گرایش دارد؛ نقطه مرکزی این گرایش‌ها، خداوند است. انسان‌ها به دنیا آمده‌اند تا این گرایش‌ها را تبدیل به عمل کنند و هرگاه آن عمل تبدیل به ملکه شد، عالم فطرت بسط یافته است و تبدیل به عالم زندگی در سه سطح فرد، جامعه و تاریخ می شود (رهداد، ۱۳۹۲: ص ۳۱۴). گزاره‌های گرایشی در فطرت، زمینه‌ساز گزاره‌های شناختی می شود، به این صورت که فطرت نیازهایی می آفریند که برطرف کردن آن‌ها مستلزم شناخت و علم است. پس از انباشت شناخت‌هاست که عمل صورت می گیرد (رهداد، ۱۳۹۲: ص ۳۱۵). هرگاه علم جامعه‌شناسی بر بنیان فطرت انسانی تولید شود، دینی است و به انبساط و استحکام جامعه مطلوب انسانی کمک می کند.

الف. اهداف تبیین

تولید جامعه‌شناسی اسلامی، غیر از بی اعتبارکردن عالم غیردینی و تراکم یافتن پرسش‌های جامعه‌شناختی، نیازمند عالم اسلامی و حل پرسش‌های پاسخ‌نیافته است. در فرایند نقد جامعه‌شناسی مدرن سعی می شود که با خلق پرسش‌های بیشتر، تردیدهای جدی تری به علم‌بودن آن، در ذهنیت علمی جامعه ایجاد گردد. اما در تبیین جامعه‌شناسی مطلوب باید کوشید تا ظرفیت و توانمندی آن، در حل پرسش‌های ایجادشده آشکار شود. بر این اساس اهداف مورد نظر در این قسمت عبارت است از: ۱. تبیین ظرفیت‌های نظام معرفتی اسلام، در تمهید «مبانی» و «روش» جامع علمی، برای جامعه‌شناسی مطلوب؛ ۲. تبیین و آشکارسازی «آثار بهره‌وری» از جامعه‌شناسی اسلامی، برای بهبود و تعالی حیات اجتماعی؛ ۳. تبیین ضرورت جامعه‌شناسی اسلامی برای تقویت و تحکیم جامعه توحیدی و در نهایت ایجاد تمدن اسلامی.

ب. اصول راهبردی تبیین

۱. تبیین ظرفیت اسلام برای تأسیس جامعه‌شناسی اسلامی

• هستی‌شناسی: تبیین عالم هستی، (هستی انسان و جامعه) به منظور آشکار ساختن پیوند

عالم انسانی با عالم ملکوت و حقیقت هستی و در نهایت بسترسازی برای فهم سعادت واقعی آدم‌ها؛

- معرفت‌شناسی: تبیین حقیقت فطرت و گرایش فطری حقیقت‌جویی (پارسانیا، ۱۳۹۱: ص ۲۶۵) به‌عنوان مبنای علم عام و جهان‌شمول اسلامی؛
- دین‌شناسی: تبیین حقیقت دین و منابع متکثر تمهیدشده در نظام معرفتی آن؛
- تاریخ تفکر اجتماعی مسلمین: آشنایی با میراث غنی اندیشمندان مسلمان در حوزه مطالعات اجتماعی.

۲. تبیین نیازمندی جامعه اسلامی به جامعه‌شناسی اسلامی

- جامعه اسلامی و نیازمندی به ارزش‌های متعالی دین؛
- جامعه اسلامی و نیازمندی به طراحی الگو و سبک زندگی دینی؛
- مدیریت تحولات و تغییرات اجتماعی در راستای تقویت جامعه توحیدی و تولید تمدن اسلامی.

۳. تبیین کاستی‌ها در چگونگی طرح جامعه‌شناسی اسلامی

- ابهام‌زدایی از عنوان و ماهیت جامعه‌شناسی اسلامی؛
- آسیب‌شناسی از چگونگی ورود و طرح جامعه‌شناسی اسلامی در مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی.

ج. برنامه‌های عملیاتی

برنامه‌های عملیاتی تبیین جامعه‌شناسی مطلوب، شامل مجموعه برنامه‌های مربوط به تدوین و عرضه آن نیز می‌گردد. به‌همین دلیل در این قسمت صرفاً به برخی از برنامه‌های کوتاه‌مدت که ارتباط مستقیم با تشدید تقاضا برای جامعه‌شناسی اسلامی دارد، اشاره می‌شود:

- اولویت اول: طراحی الگوی جامعه مطلوب اسلامی، بر مبنای معیارها و شاخص‌های قابل‌سنجش؛
- اولویت دوم: برنامه‌ریزی مدون به‌منظور تقویت گرایش به الگوی جامعه ایدئال اسلامی، در سطح جامعه؛
- اولویت سوم: تدوین نقشه جامع از ظرفیت‌های موجود در منابع دینی و تاریخ تفکر

مسلمین به منظور تقویت گرایش به تولید جامعه‌شناسی اسلامی.

تولید و نظریه‌پردازی

تولید علم به معنای تغییر مرزهای دانش در یک رشته علمی است. مرزهای دانش زمانی تغییر می‌کند که با علم تولیدشده، بشر قادر به حل مسائل جدیدی گردد که با علم پیشین امکان نداشت (پیروزمند، ۱۳۹۲: ص ۴۵۱). تولید علم دینی فراتر از کشف واقع و مرتبط بودن با عالم دینی، از منظر آموزه‌های دینی ارتباط مستقیم با اخلاق در ساحت وجودی عالم دینی دارد (روم: ۱۰؛ نمل: ۱۴؛ بقره: ۲۸۲؛ انفال: ۲۹؛ فاطر: ۱۰). زیرا انسان به‌عنوان مجموعه‌ای از قوای ادراکی و گرایش‌ها، در عین حال حقیقت بسیط دارد. «النفس فی وحدتها کل القوی» بر این اساس کار علمی مثل هر عمل دیگر از تمام وجود انسان نشئت می‌گیرد (سوزنجی، ۱۳۸۹: ص ۸۷). انسان موجودی غایت‌گراست و متناسب با غایات مورد نظر خویش علمی را تولید می‌نماید. ماهیت غایت‌ها، انعکاسی از سطح وجودی آدم‌هاست. بر این اساس اگر کسی غایت جامعه‌شناسی را تأمین حداکثری لذت‌های مادی تلقی کند، یا تأمین حداکثری عدالت اجتماعی و تعالی انسانی بداند، ماهیت نظریه‌های علمی‌ای که تولید می‌کند کاملاً متفاوت می‌شود.

نکته اساسی‌تر اینکه، انسان‌ها متناسب با مرتبه وجودی خویش، به کشف حقایق علمی نائل می‌شوند. نفس آدمی از طریق شکوفایی فطرت، تعالی وجودی می‌یابد، به ملکوت و عالم عقل متصل می‌شود و حقایق را به شکل شهودی و عقلانی درک می‌کند. اگر نفس آدمی در سطح غریزه متوقف گردد، از طریق ارتباط وجودی قوه خیال با موجودات نازل‌تر، به فرضیه‌سازی و نظریه‌پردازی کاذب و خیالی می‌پردازد. به عبارت روشن‌تر هرچه انسان مهذب‌تر باشد سنجیت وجودی او با ملکوت بیشتر می‌شود و ادراک حقایق به‌نحو قاطع‌تری برای او حاصل می‌گردد و هرچه گناه‌کارتر باشد سنجیت وجودی‌اش با شیاطین زیادتر می‌شود و بیشتر در معرض مطالب کذب شیاطین قرار می‌گیرد^۱ (سوزنجی، ۱۳۸۹: ص ۹۳-۹۱). بر همین مبناست که نقش شخصیت اخلاقی عالم در تولید علم دینی و از آن جمله جامعه‌شناسی اسلامی، موضوعیت محوری و اجتناب‌ناپذیر می‌یابد. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، تولید جامعه‌شناسی اسلامی که بر بنیاد تقاضاهای تراکم‌یافته در میان مجامع علمی پایه‌گذاری شده است، توسط افراد مستعد و در فضای عمومی مناسب، قابل تولید می‌گردد. بر مبنای چنین ابعاد درهم‌تنیده و متأثر از همدیگر ضروری است که در فرایند

۱. شعرا: ۲۲۳-۲۲۱؛ بقره: ۶؛ جاثیه: ۹-۷؛ نمل: ۴۱.

تولید علمی یعنی «فرضیه‌سازی» و «نظریه‌پردازی» در حوزه جامعه‌شناسی اسلامی، تقویت فضاسازی‌های مربوط به مرحله «ایجاد تقاضا» نیز به‌شکل جدی تداوم یابد و با تمرکز بیشتر بر تربیت نیروی انسانی «اهداف»، «اصول راهبردی» و «برنامه‌های عملیاتی»، تعیین و تعقیب گردد.

الف) اهداف

ساختار علم، به‌مثابه مفاهیم منظم با محوریت موضوع واحد، روش یا روش‌های مناسب، مسائل متناسب و مرتبط به همدیگر، دارای ارکان سه‌گانه: مبانی و اصول موضوعه، روش و شیوه کسب معرفت، نظریه و چارچوب مفهومی مشخص است. علم دینی به لحاظ علمیت و کاشفیت از واقع، تفاوتی با رویکرد غالب به علم در تاریخ و دنیای معاصر ندارد و اساساً مدعی انطباق بیشتر با واقعیت است، اما از باب اینکه تأسیس علم جدید به‌شمار می‌آید، باید ویژگی‌ها و شاخص‌های سه‌گانه زیر را نیز دارا باشد: ۱. هماهنگی منطقی با وحی؛ ۲. قدرت ایجاد تفاهم با جامعه اسلامی؛ ۳. کارآمدی در جهت اسلام (سالاری، ۱۳۹۲: ص ۷۴). بر این اساس به هر میزانی که جامعه‌شناسی اسلامی، این ویژگی‌ها را عینیت بخشد می‌توان آن را دینی تلقی نمود.

با در نظر داشتن ساختار و ویژگی‌های علم دینی، اهداف مورد نظر در مرحله تولید و نظریه‌پردازی جامعه‌شناسی اسلامی را می‌توان هماهنگ با نگرش اسلام، تعیین و تعریف نمود. از منظر معارف و حیاتی دین، خداوند متعال در ترسیم نقشه جامع علمی، ابتدا منابع را مشخص می‌سازد، بعد می‌فرماید: مبانی را از این منابع استنباط نمایید، سپس موضوعات و مسائل رشته‌های مختلف علمی را از منابع استنباط کنید (جوادی آملی، ۱۳۹۳: سخنرانی). بر همین مبنا، اهداف مورد نظر و قابل تعقیب در این قسمت عبارت‌اند از: «تعیین مبانی»، «تعیین روش» و «تولید نظریه». با توجه به همین اهداف، اصول راهبردی و برنامه‌های عملیاتی معطوف به آن‌ها نیز قابل تعریف می‌گردند.

ب) اصول راهبردی

۱. تولید مبانی

تولید مبانی، پیش‌نیاز تحول علوم به حساب می‌آید. مبانی به آن دسته اطلاعاتی اطلاق می‌شود که پایه و اساس شکل‌دهی اطلاعات فرعی‌تر است و به‌عنوان امور پذیرفته‌شده در علوم تلقی می‌گردد و نگرش‌های بنیادین را درباره علوم مادون شکل می‌دهد (پیروزمند، ۱۳۹۲: ص ۴۵۲). دانش متولی تولید مبانی جامعه‌شناسی اسلامی، به‌ترتیب این موارد هستند: فلسفه اولی، فلسفه‌های مضاف به حقیقت انسان، دین و معرفت و فلسفه مضاف به علوم اجتماعی. انتظار می‌رود که بر

بنیان آن‌ها، حقیقت هستی، هستی عالم، هستی انسان و جامعه، حقیقت دین، حقیقت علم و معرفت، به روشنی تعریف و شناسایی گردد.

۲. تولید روش

روش، منطق دانش پژوه در تجزیه و ترکیب اطلاعات به شمار می‌رود (همان). جامعه‌شناسی اسلامی تکثر و تنوع روشی دارد و در موضوعات خاص از روش یا روش‌های متناسب استفاده می‌کند. منتها در سطوح متفاوت نظام معرفتی، غالباً یکی از روش‌ها به‌عنوان روش محوری و مناسب، مطرح می‌شود. مبانی با محوریت روش «برهانی» و تا حدودی «شهودی»، قابل تولید است؛ تبیین گزاره‌های دینی با محوریت روش «اجتهادی» صورت می‌گیرد و در آزمون علمی نظریه، روش «تجربی» نقش جدی‌تر ایفا می‌نماید.

۳. تولید نظریه

نظریه، مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط با هم است که به توصیف و تبیین واقعیت می‌پردازد. فرضیه‌های نظری را می‌توان از هر منبعی دریافت کرد اما در استخراج مفاهیم و صورت‌بندی نظریه‌ها، مناسب‌ترین منبع به ترتیب «قرآن کریم»، «متون روایی»، «استنباط‌های عالمان دین» و در نهایت «بهره‌گیری از اندیشه‌های بشری» است. همان‌گونه که نظریه‌ها در علوم انسانی موجود «به توصیف انسان تحقق یافته، توصیف انسان شایسته و ایدئال و توصیه انسان بایسته می‌پردازد» (خسروپناه، ۱۳۹۱: ص ۳۳۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی اسلامی نیز اولاً: باید جامعه شایسته و ایدئال اسلامی را توصیف نماید؛ ثانیاً: جامعه تحقق یافته اسلامی را توصیف کند؛ ثالثاً: جامعه بایسته را توصیه کند و روشن سازد که چگونه جامعه تحقق یافته به جامعه شایسته می‌رسد.

ج. برنامه‌های عملیاتی

تولید علم دینی بیش از آنکه یک برنامه پژوهشی ناظر به محتوا باشد یک برنامه‌ریزی تعلیم و تربیتی نسبتاً درازمدت است. برنامه‌ریزی‌ای که تحقق علم را نه در قالب مجموعه‌های مکتوب بلکه در درون انسان‌های مستعد و تربیت شده جست‌وجو می‌کند. انسان‌هایی که فراتر از ترکیه‌های اخلاقی، در حوزه معارف دینی و علوم جدید صاحب نظر نیز هستند (سوزنجی، ۱۳۸۹: ص ۳۵۲). علم دینی در واقع محصول عالم و عالم دینی است. اضلاع سه‌گانه علم، عالم و عالم، ارتباط متقابل و دیالکتیک با همدیگر دارند اما به نظر می‌رسد که نقطه آغاز تدوین علم دینی باید تربیت عالم دینی باشد. زیرا انسان‌ها با توجه به اراده و اختیاری که دارند، می‌توانند الزامات عالم غیردینی را بشکنند و با ایجاد رخنه‌ای در آن، بستر و خاستگاه اجتماعی را برای شکل‌گیری عالم دینی و تدوین

علم دینی مهیا کنند. بر این اساس ضروری است که برنامه‌های عملیاتی برای تدوین علم دینی، با تمرکز بیشتر بر تربیت نیروی انسانی تدوین و سازمان‌دهی گردد.

۱) برنامه‌های کوتاه‌مدت (اصلاح نظام ساختاری)

- اولویت اول: تلاش برای غلبه‌دادن اخلاق و معنویت بر محیط‌های آموزشی و پژوهشی؛
- اولویت دوم: تقویت مراکز حوزوی دانشگاهی فعال در حوزه تولید جامعه‌شناسی اسلامی؛ سامان‌دهی دانشکده‌ها و گروه‌های جامعه‌شناسی در نظام رسمی آموزش عالی کشور؛
- اولویت سوم: حمایت از انجمن‌های خودبنیاد حوزوی و دانشگاهی در حوزه جامعه‌شناسی اسلامی؛ حمایت از پروژه‌ها و تولیدات فکری نخبگان در حوزه جامعه‌شناسی اسلامی؛
- اولویت چهارم: تقویت منزلت علوم اجتماعی در نظام رسمی آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور. شناسایی و جذب دانش‌آموزان و دانشجویان مستعد برای ورود به رشته جامعه‌شناسی، به‌منظور تولید جامعه‌شناسی اسلامی و تأمین آینده شغلی آن‌ها؛
- اولویت پنجم: تعیین متولی رسمی در مراکز جامعه‌شناسی برای راه‌اندازی مناظره‌ها و کرسی‌های آزاداندیشی.

۲) برنامه‌های میان‌مدت (اصلاح نظام آموزشی و پژوهشی)

- اولویت اول: مواجهه تهنیدی و تکمیلی به جامعه‌شناسی موجود و تربیت نیروهای انسانی در حد کارشناسی برای تطبیق موضوعات مورد مطالعه در جامعه‌شناسی با نیازهای تکاملی جامعه اسلامی؛
- اولویت دوم: تربیت پژوهشگر در سطح کارشناسی ارشد، مسلط به روش تحقیق در یکی از گرایش‌های جامعه‌شناسی و علوم اسلامی مرتبط؛
- اولویت سوم: تربیت پژوهشگر در سطح دکتری، صاحب‌نظر در یکی از گرایش‌های جامعه‌شناسی و علوم اسلامی مرتبط؛
- اولویت چهارم: تغییر نظام اعتباربخشی به تحقیق و پژوهش در راستای تقویت پژوهش‌های مبتکرانه و خلاق؛
- اولویت پنجم: تقویت فرهنگ قداست‌داشتن علم و عالم، گسترش مناظره و نقد

در فضای آزاداندیشی علمی.

۳) برنامه‌های بلندمدت (تولید)

- اولویت اول: تولید مبانی جامعه‌شناسی اسلامی؛ تولید فلسفه مضاف به حقیقت دین، معرفت، انسان و جامعه، به‌منظور تدوین فلسفه علوم اجتماعی اسلامی؛
- اولویت دوم: تولید روش‌های جامعه‌شناسی اسلامی؛ ارتقای روش اجتهادی از سطح فقه فردی برای تئوری‌پردازی فقه اجتماعی، اصلاح و تعمیق روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی با توجه به روش‌های برهانی، شهودی، اجتهادی و تجربی؛
- اولویت سوم: تولید نظریه‌های جامعه‌شناسی اسلامی؛ استخراج و متراکم ساختن مفاهیم نظری، با روش اجتهادی از منابع دینی، غنی‌سازی مفاهیم نظری از طریق بازخوانی اندیشه‌های اجتماعی متفکران مسلمان و استفاده از مفاهیم مناسب در نظام مفهومی جامعه‌شناسی موجود؛ آزمون تجربی مداوم، برای اصلاح و اتقان نظریه‌های جامعه‌شناسی اسلامی.

عرضه و بهره‌وری

علم نه برای علم که برای تحقق اهدافی مشخص تدوین و تولید می‌شود. جامعه‌شناسی اسلامی نیز غایت‌محور است و معطوف به غایاتی از پیش تعیین شده، ضرورت تولید می‌یابد. جامعه‌شناسی، دانش فهم و تنظیم مناسبات اجتماعی و مهندسی فرهنگ عمومی است. جامعه‌شناسی اسلامی درصدد تولید «جامعه و جهان دینی» است. به‌همین دلیل انتظار می‌رود که بر پایه چنین دانشی بتوان مسائل و مشکلات عینی جوامع بشری به‌خصوص جوامع اسلامی را حل نمود و واقعیت‌های سیال و متغیر اجتماعی را مدیریت‌پذیر ساخت. تحقق این امر مستلزم مدیریت منطقی، عرضه به‌موقع و بهره‌وری از دانش نوین جامعه‌شناسی اسلامی در عینیت جامعه است.

عرضه و بهره‌وری، مفاهیم مرتبط و دارای ترتب نسبتاً منطقی هستند. مراد از عرضه، ارائه تولیدات نظری در مراکز علمی برای نقد و ارزیابی، به‌منظور استحکام نظری است، اما بهره‌وری، ناظر به استفاده از جامعه‌شناسی تولیدشده، برای مدیریت پدیده‌های اجتماعی است. نکته اساسی اینکه در هر دو مرحله، به‌تدریج کاستی‌های جامعه‌شناسی اسلامی مرتفع و هویت علمی آن برجسته‌تر می‌شود. زیرا گرایش‌های عملی، مسبوق به گزارش‌های علمی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص ۳۰۳)؛ ساختمان ذهنی اصولی را فراهم می‌سازد و آدم‌ها بر پایه آن‌ها گزینش

می‌کنند (ریتزر، ۱۳۷۴: ص ۷۲۳). اندیشه‌ها نمی‌توانند بدون محرک واقعی عینیت بیابند و برای محقق شدن، احتیاج به سائق‌های مادی و واقعی دارند (آشتیانی، ۱۳۸۳: ص ۱۶۶)؛ عوامل انسانی و اجتماعی زمانی به نفع اندیشه‌ها فعال می‌شوند که نیازهای خود را در پرتوی آن‌ها تأمین‌شدنی بیابند. معیار سنجش و قضاوت در مورد افکار نیز کارآمدی آن‌هاست؛ چه اینکه داده‌های ذهنی تا زمانی که واقعیت انضمامی نیابند، فرضیه‌هایی بیش نیستند و با معیار کارآمدی است که به موقعیت علم ارتقا می‌یابند. از همین خاستگاه است که نظریه‌های علمی مدام در تلاقی با واقعیت‌های عینی یا بارورتری یا فراموش می‌شوند.

«دانش»، مفهومی فراتر از «داده» و «اطلاعات» است. دانش به مجموعه اطلاعات، راهکارهای عملی و نتایج به‌کارگیری آن، اطلاق می‌شود. اساسی‌ترین چالش برای مدیریت دانش، تولید دانش نیست بلکه تصرف دانش و اشاعه آن است (منصوری، ۱۳۸۵: ص ۷۳). داده یک واقعیت یا یک مورد از یک زمینه خاص بدون ارتباط به دیگر چیزهاست. داده‌ها، رشته واقعیت‌های عینی و مجرد در مورد رویدادها هستند. داده‌ها به‌عنوان واقعیت‌های خام، در پایگاه‌های داده، ذخیره و مدیریت می‌شوند. داده‌ها حداقل متن را دارند و تا پردازش نشوند به‌تنهایی مفهوم موضوع بزرگ‌تری را القا نمی‌کنند. از دیدگاه سازمانی، داده‌ها یک سلسله معاملات ثبت‌شده منظم تلقی می‌شوند (قربانی، ۱۳۸۸: ص ۴۹). از این‌رو مجموعه داده‌های جامعه‌شناختی مبتنی بر اسلام، زمانی هویت علمی و اسلامی می‌یابند که در عرصه عرضه و بهره‌وری، به شکل عملی، با نظام عام معرفتی اسلام مرتبط شوند و در راستای تکامل و رشد اخلاقی جامعه عمل کنند.

عرضه و بهره‌وری، ناظر به تصرف جامعه‌شناسی اسلامی در جهان عینی است و معیار سنجش کارآمدی آن نیز، «حسی و تجربی» است. نکته اساسی اینکه معیارهای ارزیابی باید در راستای اهداف مورد نظر درک و تعیین شود؛ مثلاً ممکن است در شرایط محاصره اقتصادی، بسیاری احساس ذلت کنند، اما وقتی با اهداف بالاتر سنجیده شود، دانسته خواهد شد که این عین عزتمندی است (سوزنجی، ۱۳۹۱: ص ۴۷۹). بنابراین در تعیین میزان کارآمدی جامعه‌شناسی اسلامی هرچند از روش حسی و تجربی استفاده می‌شود اما معیارهای ارزش‌گذاری آن، متناسب با مبانی و اهداف کلانی که در این علم تمهید شده است، تعریف و شاخص‌سازی می‌شود. به همین دلیل ممکن است که داوری علمی جامعه‌شناسی اسلامی با جامعه‌شناسی موجود در برخی موضوعات، متفاوت و احیاناً متضاد گردد.

الف) اهداف

جامعه‌شناسی اسلامی، ناظر به اهداف کلان و نیازمندی‌های جامعه توحیدی، تولید می‌شود. اهداف مورد تعقیب در مرحله عرضه و بهره‌وری نیز، تا حدودی یکسان با همان اهداف می‌باشد. توصیف و تبیین واقعیت‌ها، کنترل تحولات و حوادث اجتماعی، تقویت و استحکام جامعه توحیدی، انتظارات تعبیه‌شده در متن جامعه‌شناسی اسلامی است. بر این اساس اهداف مربوط به عرضه و بهره‌وری آن را می‌توان به صورت زیر تعیین و تعریف نمود: ۱: تبیین مسائل جامعه موجود؛ ۲: تبیین جامعه مطلوب توحیدی؛ ۳: تبیین فرایند رسیدن جامعه موجود به جامعه مطلوب. هدف اساسی دیگری که در ضمن این اهداف تحقق‌پذیر است و توجه مدام به آن ضرورت دارد، استحکام و اقبال هرچه بیشتر نظریه‌های تولیدشده است.

ب) اصول راهبردی عرضه و بهره‌وری

۱. شفافیت‌سازی

فرضیه‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسی اسلامی، برای اینکه در مراکز علمی پذیرفته شوند و عوامل اجرایی با اعتماد بیشتری از آن‌ها استفاده کنند، نیازمند مدیریت منطقی در فرایند عرضه و بهره‌وری هستند. یکی از عوامل اصلی مقاومت برخی از نخبگان و مراکز علمی در برابر تولید علم دینی، بدعرضه شدن آن در فضای علمی است؛ به گونه‌ای که بسیاری از مخالفین در واقع با چیزی مخالف‌اند که تصور روشن و شفافی از آن ندارند و احساس می‌کنند که طرفداران علم دینی درصدد نقلی ساختن علوم تجربی‌اند. فراتر از آن، برخی از نظریه‌پردازان علم دینی نیز درک روشنی از رویکردهای موجود در این حوزه ندارند و گمان می‌کنند که تفاوت‌های جدی با دیگر رویکردها دارند. به همین دلیل ضروری است که تولیدات علم دینی به شکل مناسب عرضه گردد تا ابهامات مرتفع و توافق جمعی حاصل شود.

۲. انسان‌سازی

جامعه‌شناسی هرچند در ظاهر، منطبق فهم مناسبات اجتماعی دانسته می‌شود، اما نباید فراموش کرد که در چارچوب منطق جامعه‌شناختی، انسان‌شناسی، و تفسیر از واقعیت موجود و مطلوب «خود انسانی»، عنصر محوری است. به عنوان مثال، در نگرش جامعه‌شناختی موجود، انسان‌ها در سطح موجودات طبیعی معنا شده‌اند و «خود» انسانی متأثر از جبر جامعه یا انعکاسی از قضاوت دیگران دانسته می‌شود، اما در چارچوب جامعه‌شناسی اسلامی، خود حقیقی انسان، به حقیقت هستی ارجاع داده شده است (بقره: ۱۵۶)؛ و بدون اینکه فشارهای اجتماعی و نقش دیگران

در شکل‌گیری «خود واقعی» انسان نفی گردد، انسان‌های کامل و نمونه، برای الگوگیری برجسته و توصیه می‌شوند. بر این اساس در فرایند عرضه و بهره‌وری از جامعه‌شناسی اسلامی، ضروری است که به اصل انسان‌سازی به‌عنوان اصل راهبردی توجه شود.

۳. سازمان‌سازی

سازمان‌ها به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌گردند. سازمان‌های رسمی به گروه‌هایی اطلاق می‌شوند که برای رسیدن به یک هدف مشخص هماهنگ شده‌اند، با قواعد و مقررات معینی کار می‌کنند و سلسله‌مراتب مشخصی از اقتدار و مسئولیت دارند. اما سازمان‌های غیررسمی عموماً کوچک، غیرهدفمند و فاقد قواعد و عملکردهای مقرراتی هستند (کونن، ۱۳۸۱: ص ۲۸۲). به‌تعبیر دیگر، سازمان مجموعه‌ای انسانی است که برای انجام مأموریت مشخص، امکاناتی را به‌خدمت می‌گیرد. چگونگی شکل‌گیری این سازمان‌ها نیازمند نظریه‌پردازی‌هایی است که تماماً در علوم اجتماعی انجام می‌شود (پیروزمند، ۱۳۹۲: ص ۴۵۷). سازمان‌ها در ساختار جامعه‌کل، هماهنگی سیستمی دارند، نظم و یکپارچگی اجتماعی را تحقق می‌بخشند و دستیابی به اهداف جامعه را ممکن می‌سازد. بر این اساس انتظار می‌رود که جامعه‌شناسی اسلامی، ظرفیت تولید نظریه‌های سازمانی را داشته باشد و از طریق ایجاد سازمان‌های مناسب، تحقق اهداف و غایات جامعه توحیدی را ممکن و میسر سازد.

۴. جامعه‌سازی

جامعه، مجموعه‌ای است که افراد، سازمان‌ها و نهادها را در خود جای داده است و برآیند آن‌ها محسوب می‌شود؛ جامعه اهدافی را بر اساس مصالح آحاد جامعه دنبال می‌کند. در جامعه‌سازی، مسئله ارتقا و چگونگی مواجهه با جهان و فرهنگ‌های دیگر، با نگرش تمدن‌سازی مطرح است (همان). ارکان اصلی در ساختار جامعه، نهادهای اجتماعی هستند. در چارچوب جامعه‌شناسی اسلامی، ضروری است که نهادهای خانواده، سیاست، اقتصاد، آموزش و پرورش، بر بنیان نظام معرفتی و ارزشی اسلام تنظیم و اصلاح شود. با اسلامی‌شدن نهادهای اجتماعی است که جهان «عالم دینی» ساختار بندی می‌گردد و در نتیجه فرصت و شرایط لازم برای عبور از «عالم غیردینی» و گسترش تمدن و فرهنگ اسلامی در سطح جهان فراهم می‌شود.

ج) برنامه‌های عملیاتی

برنامه‌های عملیاتی در مرحله عرضه و بهره‌وری، قبل از اینکه ماهیت علمی و پژوهشی داشته باشد، هویت اجرایی و سیاست‌گذاری دارد. برنامه‌های مربوط به عرضه، ناظر به چگونگی طرح و

اشاعه تولیدات نظری جامعه‌شناسی اسلامی در مراکز علمی است و برنامه‌های بهره‌وری، حاکی از نحوه پیوند آن‌ها با مراکز تحقیقات کاربردی و سیاست‌گذاری‌های اجرایی است. برنامه‌های عملیاتی، معطوف به عملیاتی ساختن اصول راهبردی است. از آنجایی که تکثیر و تفریع این اصول، ساحت‌های مختلف حیات اجتماعی را شامل می‌شود و طرح همه آن‌ها در قالب «نقشه تولید جامعه‌شناسی اسلامی» ضرورتی ندارد، صرفاً به برنامه‌هایی اشاره می‌شود که ارتباط مستقیم با موضوع بحث دارند. با توجه به این نکته اساسی که مجموع برنامه‌های عملیاتی در واقع ناظر به انسان‌سازی می‌باشد، ضروری است که به این اصل محوری در ضمن کلیه برنامه‌ها، توجه و دقت شود.

برنامه‌های کوتاه‌مدت: شفاف‌سازی

- اولویت اول: رعایت حقوق معنوی محققان؛ تقویت منابع مالی و استفاده بهینه از آن‌ها برای تبیین و اشاعه دیدگاه‌ها و نظریه‌های مطلوب؛
- اولویت دوم: اجتناب از فرمایشی شدن و حکومتی‌پنداشتن تولید جامعه‌شناسی مطلوب اسلامی؛
- اولویت سوم: استفاده هدفمند از نظریه‌های مناسب جامعه‌شناسی موجود؛
- اولویت چهارم: عرضه به موقع نظریه‌های جامعه‌شناسی اسلامی به نخبگان و مراکز علمی برای تبادل نظر در فضای آزاد، به منظور استحکام نظریه‌ها و توسعه تفاهم جمعی؛
- اولویت پنجم: وارد نمودن نظریه‌های تولیدشده به چرخه نظام آموزشی و تجهیز نیروهای انسانی طالب علم؛
- اولویت ششم: ارائه الگوهای معیار، شاخص‌سازی شده و سیستمی از انسان موحد، سازمان‌ها، نهادها، جامعه و تمدن اسلامی؛
- اولویت هفتم: تمرکز مراکز آموزشی و پژوهشی بر طرح‌های مرتبط با نیازهای جامعه.

برنامه‌های میان‌مدت: سازمان‌سازی

- اولویت اول: اصلاح و بازتولید سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی بر مبنای شاخص‌های تمهیدشده در الگویی معیار؛
- اولویت دوم: استفاده از نیروهای متعهد و متخصص برای مدیریت سازمان‌ها؛
- اولویت سوم: اصلاح و بازتولید گروه‌های مردم‌نهاد از قبیل سازمان‌های خیریه، سازمان

- مساجد، سازمان‌های پیونددهنده حوزه با مردم و... بر مبنای الگویی معیار؛
- اولویت چهارم: ایجاد سازمان‌ها و تمهید گروه‌های مورد نیاز برای نیازمندی‌ها و تحقق اهداف جامعه اسلامی؛
 - اولویت پنجم: مدیریت غیر محسوس گروه‌های اجتماعی به خصوص گروه‌های مرجع و هویت‌بخش به کودکان، نوجوانان و جوانان.

برنامه‌های بلندمدت: جامعه‌سازی

- اولویت اول: ارزیابی و نقد سازمان‌های اجتماعی بر مبنای شاخص‌های تولیدشده؛
- اولویت دوم: سیاست‌گذاری‌های مناسب برای هم‌گرایی نهادی؛
- اولویت سوم: سیاست‌گذاری‌های مناسب برای تحقق هر چه بیشتر شاخص‌های تمهیدشده در الگوهای معیار و عبوردادن نهادهای اجتماعی از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب؛
- اولویت چهارم: سیاست‌گذاری‌های مناسب برای تقویت شبکه‌های اجتماعی در سه سطح خویشاوندی، همسایگی و انسانی، به منظور اخلاقی ساختن فضای عمومی؛
- اولویت پنجم: سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی مناسب، برای عبوردادن عالم غیردینی به سوی عالم دینی.

تشکیل شبکه نخبگانی

تولید نظریه‌های علمی، فراتر از توانمندی‌های افراد و ظرفیت‌های موجود در مراکز علمی، نیازمند فضای اجتماعی مناسب است. علم، انعکاس ذهنیت نظام‌مند از واقعیت‌های موجود و مطلوب است. اندیشه‌ها بر بنیان اختیار و اراده‌های آزاد بشری برای حل بن‌بست‌های زندگی شکل می‌گیرد. زادگاه و موطن اصلی علم شخصیت عالم است و علم در واقع بخشی از هستی و وجود عالم می‌باشد. مدیریت علم برگشتی جدی به مدیریت انگیزه‌های عالم از طریق مدیریت انگیزه‌های فراگیر در متن جامعه دارد. همان‌گونه که نمی‌توان به راحتی انگیزه‌ها را مدیریت نمود، تولید علم را نیز نمی‌توان مدیریت پذیر کرد. بر این اساس نباید نهضت تولید علم دینی را در حصار شبکه‌های سازمانی انعطاف‌ناپذیر، محصور کرد.

مدیریت تولید علم قبل از اینکه مربوط به محتویات نظام علمی باشد، باید معطوف به فضاسازی عمومی تعریف شود. علم دینی نیازمند قواعد و میدانی باز متناسب با علم و دین است.

علم در بستر آزاداندیشی، تضارب و تبادل افکار، قابلیت تولید می‌یابد. از این‌رو تولید علم را نمی‌توان و نباید در حصار قواعد سازمانی محصور کرد. از سوی دیگر اصل «فشار علم» و تسریع در روند تولید جامعه‌شناسی اسلامی، یعنی تحقق اقدامات پیش‌گفته درباره «تشدید تقاضا»، «نظریه‌پردازی» و «بهره‌وری»، مستلزم مدیریت تولید جامعه‌شناسی اسلامی است؛ چنین مدیریتی را می‌توان در قالب تشکیل شبکه‌نخبگانی، اجرایی دانست.

مراد از شبکه‌نخبگانی، تأکید بر تشکیلات کاملاً رسمی و اداری نیست بلکه منظور تنظیم درست و هدفمند تعامل علمی جریان‌ها هم‌سو، جلوگیری از کارهای موازی و بسترسازی مناسب برای جذب نیروهای بیشتر است. برای تحقق این شبکه، ضروری است که به حداقلی از نقاط اشتراک نیز بسنده و سعی شود که گرایش‌های همگرایانه تقویت و برجسته گردد، زیرا نهضت تولید علم دینی قبل از همه به اثبات منطقی خود نیاز دارد، باید جامعه علمی دغدغه‌های معرفتی این جریان را بپذیرد تا به تدریج، منطق تولید علم دینی از غربت بیرون آید و تبدیل به منطق علمی مسلط و فراگیر شود.

الف) اهداف

مدیریت دانش، بر بنیان تشکیل شبکه‌نخبگانی، درصدد سازمان‌دهی تولید علم در میدان باز و وسیع آزاداندیشی است. کاهش حساسیت‌ها و استفاده درست از ظرفیت‌های فراوانی که در نظام معرفتی اسلام و فرهنگ جوامع اسلامی، برای تولید دانش جامعه‌شناسی اسلامی وجود دارد، دغدغه عام و کلی به‌شمار می‌آید. اما به‌طور مشخص اهدافی که در این خصوص قابل تعقیب‌اند عبارت‌اند از: ۱. همگرایی و تفاهم جمعی؛ ۲. مدیریت فرایند تولید علم دینی؛ ۳. مدیریت سرمایه‌های مادی و معنوی. بر پایه همین اهداف، می‌توان تشکل‌های مرتبط با شبکه‌نخبگانی را طراحی کرد.

ب) تشکیلات

- ایجاد ستاد اولیه برای شناسایی جریان‌ها، انجمن‌ها و صاحب‌نظران فعال و موافق با تولید جامعه‌شناسی اسلامی به‌منظور ایجاد شبکه‌نخبگانی؛
- تشکیل شورایی عالی از میان نخبگان و نظریه‌پردازان اصلی به‌منظور تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان درباره مدیریت کلی فرایند تولید دانش جامعه‌شناسی اسلامی (که در محورهای قبل یعنی «تشدید تقاضا»، «نظریه‌پردازی»، «عرضه و بهره‌وری»،

به تفصیل بیان گردید)؛

- ایجاد ستاد مرکزی رسمی به منظور پیگیری مصوبات شورای عالی و انتشار آخرین تولیدات نظری از طریق مجله تخصصی، سایت علمی و...
از آنجایی که اجرای بخش مهمی از تصمیم‌گیری‌های شورا به بودجه مالی و حمایت قانونی نیاز دارد، ضروری است که شورای عالی، ذیل شورای عالی انقلاب فرهنگی تعریف شود و هماهنگ با سیاست‌گذاری‌های کلان مدیریت دانش و تولید علم دینی در سطح کشور عمل نماید.

جدول‌های نقشه جامع تولید جامعه‌شناسی اسلامی

جدول شماره ۱؛ جامعیت نقشه تولید جامعه‌شناسی اسلامی

مراحل تولید	ابعاد و نگرش‌ها	جامعیت و فراگیری
منطق تولید	کشش تقاضا	تأکید بر تشدید تقاضا و دخالت‌دادن منطقی فشار علم
	فشار علم	
رویکرد تولید	مبناگرایی	تدوین نقشه جامع بر مبنای فعالیت‌های آزاد و تعامل همگرایانه رویکردها
	فرامبنایی	
	اجتهادی	
	تهذیبی	
فرایند تولید	ضرورت و تقاضا	نقد جامعه‌شناسی موجود و تبیین جامعه‌شناسی مطلوب
	تولید و نظریه‌پردازی	تولید مبانی، روش و نظریه
	عرضه و بهره‌وری	توصیف جامعه تحقق‌یافته، توصیف جامعه شایسته و ایدئال، توصیه جامعه بایسته

جدول شماره ۲؛ تقویت تقاضا برای جامعه‌شناسی اسلامی

ابعاد	اهداف	اصول راهبردی	برنامه‌های عملیاتی
نقد جامعه‌شناسی موجود	ایجاد پرسش: نقد مبانی، نقد روشی، نقد بهره‌وری	شناسایی: اهرم‌های نقد، پیامدها، وضعیت موجود	تدوین نقشه جامع از جامعه‌شناسی در غرب
			تدوین نقشه جامع از جامعه‌شناسی در ایران
			نقد هرم‌های مکاتب رایج
			تدوین نقشه جامع از نیازمندی جامعه اسلامی
			مدیریت نیازمندی‌ها و بهره‌وری
			تعامل با جریان‌های منتقد و همسوی فراملی
			نقد کلیت مبانی فلسفی و روشی جامعه‌شناسی غربی
			اجتناب از بهره‌وری
			نقد مبانی تمدن غربی
			نقد سبک زندگی مدرن
تبیین جامعه‌شناسی مطلوب	تقویت تقاضا: ظرفیت علمی، بهره‌وری، تمدن‌سازی	تبیین مبانی، نیازمندی و کاستی‌های طرح جامعه‌شناسی اسلامی	طراحی الگوی جامعه مطلوب اسلامی
			تقویت گرایش به الگویی جامعه مطلوب
			تدوین نقشه جامع از ظرفیت‌های موجود برای تدوین جامعه‌شناسی مطلوب اسلامی
هم‌سویی با جریان‌های منتقد تمدنی غربی			

جدول شماره ۳؛ تولید و نظریه‌پردازی جامعه‌شناسی اسلامی

اهداف	اصول راهبردی	برنامه‌های عملیاتی
تولید مبانی	تولید فلسفه مضاف به حقایق بر مبنای فلسفه اولی به‌منظور تولید فلسفه علوم اجتماعی	سازمان‌دهی مراکز و گروه‌های رسمی جامعه‌شناسی
		تقویت انجمن‌های خودبنیاد جامعه‌شناسی اسلامی و حمایت از نخبگان فکری
		تقویت منزلت جامعه‌شناسی و جذب نیروهای مستعد در رشته جامعه‌شناسی اسلامی
		تعیین متولی رسمی برای مدیریت مناظره‌ها و کرسی‌های آزاداندیشی
تولید روش	هم‌هنگ‌سازی روش‌های برهانی، شهودی، اجتهادی و تجربی	تقویت اخلاق و معنویت در محیط‌های آموزشی و علمی
		رویکرد تهذیبی به جامعه‌شناسی موجود، تربیت افراد در حد کارشناسی برای تطبیق موضوعات با نیازهای جامعه اسلامی
		تربیت پژوهشگر در سطح کارشناسی ارشد، مسلط به روش تحقیق در یکی از گرایش‌های جامعه‌شناسی و علوم اسلامی مرتبط
		تربیت پژوهشگر در سطح دکتری، صاحب‌نظر در یکی از گرایش‌های جامعه‌شناسی و علوم اسلامی مرتبط
		تقویت پژوهش‌های مبتکرانه و خلاق
تولید نظریه	فرصت‌سازی، استخراج مفاهیم و صورت‌بندی نظریه	تقویت فرهنگ قداست‌داشتن علم و عالم و گسترش نقد
		تولید فلسفه علوم اجتماعی اسلامی
		تولید روش‌های جامعه‌شناسی اسلامی
		تولید نظریه‌های جامعه‌شناسی اسلامی

جدول شماره ۴؛ عرضه و بهره‌وری از دانش جامعه‌شناسی اسلامی

اهداف	اصول راهبردی	برنامه‌های عملیاتی		
(۱) تبیین مسائل جامعه موجود (۲) تبیین جامعه مطلوب توحیدی (۳) تبیین فرایند رسیدن جامعه موجود به جامعه مطلوب	انسان‌سازی	اصل ناظر در تدوین و اجرای مجموعه برنامه‌های عملیاتی رعایت حقوق معنوی محققان، تقویت منابع مالی برای گسترش نظریه‌های مطلوب		
	شفافیت‌سازی	بهره‌مندی هدفمند از جامعه‌شناسی موجود	اجتناب از حکومتی‌پنداشتن تولید جامعه‌شناسی اسلامی	
		عرضه نظریه‌ها به‌منظور تفاهم و استحکام نظریه‌ها	واردنمودن نظریه‌ها به چرخه آموزشی و پژوهشی	
		ارائه الگوهای معیار، از انسان، سازمان‌ها، نهادها، جامعه و تمدن اسلامی	تمرکز محققان بر طرح‌های مبتنی بر نیازهای جامعه	
		سازمان‌سازی	اصلاح سازمان‌های دولتی بر مبنای شاخص‌های تمهیدشده در الگویی معیار	مدیریت درست سازمان‌ها
			بازتولید گروه‌های مردم‌نهاد بر مبنای الگویی معیار	ایجاد سازمان‌ها و تمهید گروه‌های مورد نیاز
			مدیریت غیر محسوس گروه‌های اجتماعی هویت‌بخش	ارزیابی و نقد سازمان‌های اجتماعی بر مبنای شاخص‌ها
	جامعه‌سازی		سیاست‌گذاری برای همگرایی نهادی	سیاست‌گذاری‌های مناسب برای تحقق هرچه بیشتر شاخص‌ها و انتقال نهادها از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب
		سیاست‌گذاری‌های مناسب برای تقویت شبکه‌های اجتماعی در سطوح خویشاوندی، همسایگی و انسانی	سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی مناسب، برای عبور از عالم غیردینی به عالم دینی	

جدول شماره ۵؛ تشکیل شبکه نخبگانی

اهداف	تشکیلات	وظایف	
۱) همگرایی و تفاهم ۲) مدیریت تولید علم ۳) مدیریت سرمایه	ستاد اولیه	شناسایی نخبگان	
	شبکه نخبگانی	معرفی و انتخاب اعضای شورای عالی	
	شورای عالی	مدیریت فرایند تولید دانش جامعه‌شناسی اسلامی	
	ستاد مرکزی	رابط شورای عالی با شورای عالی انقلاب فرهنگی	
		پیگیری تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های شورای عالی	
		انتشار آخرین تولیدات نظری از طریق مجله تخصصی، سایت علمی و...	

نتیجه‌گیری

دانش جامعه‌شناسی اسلامی هرچند دانشی نو بنیاد محسوب می‌شود اما ریشه‌های نیرومندی در منابع دین و میراث ارزشمند متفکرین مسلمان دارد. علم، زاده پرسش است و بر پایه نیازها و تقاضاهای تراکم‌یافته، شکل گرفته است و در چارچوب وفاق جمعی است که منزلت علمی می‌یابد. تکیه‌گاه اصلی «نقشه تولید جامعه‌شناسی اسلامی» در این پژوهش، منطق طبیعی تولید علم یعنی «کشش تقاضا» است و با محوریت آن، سعی شده است که اولاً: از عنصر «فشار علم» متناسب با همان منطق طبیعی بهره‌برداری شود؛ ثانیاً: به‌گونه‌ای منطق‌سازی شود که میدان حضور «همگرایانه» برای همه رویکردهای فعال در این حوزه باشد. ساختار کلی نقشه جامع، به دلیل اصل فراگیری مراتب و عناصر دخیل در تولید دانش مورد نظر، بر بنیان اصول و محورهای اساسی «ضرورت و تقاضا»، «تولید و نظریه‌پردازی»، «عرضه و بهره‌وری»، صورت‌بندی گردیده‌اند و بر همین اساس، اهداف، اصول راهبردی و برنامه‌های عملیاتی معطوف به آن‌ها، سازمان‌دهی شده‌اند.

اصل «ضرورت و تقاضا» معطوف به ناتوانی جامعه‌شناسی موجود و ضرورت تدوین جامعه‌شناسی مطلوب است.

جامعه‌شناسی موجود از متن تمایلات غریزی انسان‌ها برخاسته و در فضای فرهنگی «غریزه‌مدار» رواج یافته است. به همین دلیل نیازهای بنیادین انسان و جامعه انسانی در آن مغفول مانده است و در تنافی جدی با الزامات زیست‌متعالی انسان‌ها قرار دارد. «فطرت» و «غریزه»، اصول بنیادین و معیارهای

عام برای نقد جامعه‌شناسی غربی و تصحیح نیازهای جامعه انسانی برای تدوین «جامعه‌شناسی نوین» اسلامی محسوب می‌شوند. زیرا علم و عالم برساخته‌های همدیگر هستند. علم متناسب با تقاضاهای موجود در عالم به وجود می‌آید و در تصحیح کاستی‌ها و نارسایی‌های عالم کمک می‌کند و به مهندسی علمی آن می‌پردازد. نقد جامعه‌شناسی موجود و تلاش برای تدوین جامعه‌شناسی جدید، به ترتیب معطوف به نفی نیازهای معیوب صرفاً غریزی و تقویت نیازها و تقاضاهای فراگیر و همه‌جانبه فطری غریزی است؛ از این رو ضروری است که فهم و نقد جامعه‌شناسی موجود به‌عنوان بخش مهمی از فرایند تولید و استحکام جامعه‌شناسی اسلامی، تلقی گردد.

تولید و نظریه‌پردازی، به معنای شکستن مرزهای رایج علمی، ارائه الگوهای نظری جدید برای حل پرسش‌های پاسخ‌نیافته و تأمین تقاضاهای تراکم‌یافته است. تدوین نظریه‌های جامعه‌شناسی اسلامی به ترتیب شامل این موارد می‌شود: تولید فلسفه مضاف، تبیین و تنظیم منطق و حیانی به‌عنوان روش عام و هماهنگ‌کننده روش‌های برهانی، شهودی، اجتهادی و تجربی و استخراج مفاهیم مناسب از منابع دینی و دیگر منابع علمی. در چنین فرایندی است که تراکم مفهومی به وجود می‌آید و بسستر لازم برای فرضیه‌سازی‌های علمی و تدوین نظریه‌های جامعه‌شناسی اسلامی فراهم می‌شود. نکته قابل توجه اینکه بر مبنای ابعاد درهم‌تنیده علم، عالم و عالم دینی، ضروری است که در فرایند «نظریه‌پردازی» نه تنها تقویت فضا‌سازی‌های مربوط به مرحله «ایجاد تقاضا» تداوم یابد که تربیت نیروهای انسانی نیز به شکل جدی تعقیب گردد.

جامعه‌شناسی اسلامی مانند تمام نظام‌های علمی دیگر، «غایت‌محور» است و معطوف به غایاتی از پیش تعیین‌شده ضرورت تولید می‌یابد. پس از تولید مجموعه نظریه‌های جامعه‌شناسی اسلامی، ضروری است که بستر رقابت آن‌ها از طریق عرضه و بهره‌وری، در عینیت جامعه، فراهم گردد و میزان کارآمدی هر کدام در راستای تولید جامعه و جهان دینی سنجش و ارزیابی شود. عرضه و بهره‌وری، مفاهیم مرتبط و دارای ترتیب نسبتاً منطقی هستند. مراد از عرضه، ارائه تولیدات نظری در مراکز علمی برای نقد و ارزیابی، به منظور استحکام نظری است، اما بهره‌وری ناظر به استفاده از جامعه‌شناسی تولیدشده، برای مدیریت پدیده‌های اجتماعی است. تحقق این امر مستلزم مدیریت منطقی، عرضه به موقع و بهره‌وری از دانش نو‌بنیاد جامعه‌شناسی اسلامی است. از همین خاستگاه است که تشکیل شبکه نخبگانی رسمی اما سهل‌گیرانه، برای مدیریت دانش جامعه‌شناسی اسلامی، اولویت می‌یابد و درست در چارچوب چنین مدیریت باز و جهت‌دهنده‌ای است که می‌توان انتظار داشت تا کلیه محورها، اهداف، اصول راهبردی و برنامه‌های تعبیه‌شده در این نقشه، به شکل منطقی اجرایی شوند.

منابع:

- قرآن کریم
- ۱. آشتیانی، منوچهر. ۱۳۸۳. جامعه‌شناسی شناخت ماکس شلر. تهران، نشر قطره.
- ۲. بستان، حسین و همکاران. ۱۳۷۸. گامی به سوی علم دینی (۱)، ساختار علم تجربی و امکان دینی. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۳. پارسانیا، حمید. ۱۳۹۱. مصاحبه، در: تحول در علوم انسانی، ج ۳، دیدارها و مصاحبه‌ها. قم. کتاب فردا.
- ۴. پیروزمند، علیرضا. ۱۳۹۲. الگو و راهبرد تحول در علوم انسانی، در: تحول در علوم انسانی، ج ۲، مقالات. قم. کتاب فردا.
- ۵. پیروزمند، علیرضا. ۱۳۹۱. مصاحبه، در: تحول در علوم انسانی، ج ۳، دیدارها و مصاحبه‌ها. قم. کتاب فردا.
- ۶. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹. تفسیر انسان به انسان. محقق محمدحسین الهی‌زاده. قم. اسرا. چاپ پنجم.
- ۷. جوادی آملی، عبدالله. سخنرانی. ۵-۸-۱۳۹۳. <http://www.mehrnews.com/detail/News/2246623>.
- ۸. خاکی قراملکی، محمدرضا. ۱۳۹۲. «عقل و وحی در هندسه معرفت دینی، بررسی نظریه آیت‌الله جوادی آملی». در: تحول در علوم انسانی، ج ۲، مقالات. قم. کتاب فردا.
- ۹. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۱. مصاحبه، در: تحول در علوم انسانی، ج ۳، دیدارها و مصاحبه‌ها. قم. کتاب فردا.
- ۱۰. داوری اردکانی، رضا، ۱۳۸۲. سخنرانی، اشاراتی به وضع علوم انسانی در ایران، در: تحول در علوم انسانی، ج ۳، سخنرانی‌ها و میزگردها. قم. کتاب فردا.
- ۱۱. دنیوی، محسن و محمد میقاتی. ۱۳۸۲. تحول در علوم انسانی، ج ۳، سخنرانی‌ها و میزگردها. قم. کتاب فردا.
- ۱۲. ذاکر صالحی، غلامرضا؛ ذاکر صالحی، امین. ۱۳۸۸. «تحلیل محتوای پیش‌نویس نقشه جامع علمی کشور و پیشنهاد الگوی ارزیابی آن». فصلنامه علمی-پژوهشی، سیاست علم و فناوری، سال دوم، شماره ۲.
- ۱۳. رهداد، احمد. ۱۳۹۲. تأمل در بایسته‌های تولید علم دینی، در: تحول در علوم انسانی، ج ۲، مقالات. قم. کتاب فردا.
- ۱۴. ریتزر، جورج. ۱۳۷۵. نظریه جامعه‌شناسی معاصر. محسن ثلاثی. تهران. انتشارات علمی.
- ۱۵. سالاری، مهدی؛ کشفی، سید علی. ۱۳۹۲. اسلامی شدن علوم انسانی و اندیشه‌های ولی فقیه، در: تحول در علوم انسانی، ج ۲، مقالات. قم. کتاب فردا.
- ۱۶. سوزنچی، حسین. ۱۳۹۱. مصاحبه، در: تحول در علوم انسانی، ج ۳، دیدارها و مصاحبه‌ها. قم. کتاب فردا.
- ۱۷. _____، ۱۳۸۹. معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی. تهران. پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۱۸. قربانی، صابر. ۱۳۸۸. «چیستی مدیریت دانش». مجله کار و جامعه. شماره ۱۱۶ و ۱۱۷.
- ۱۹. کچویان، حسین. ۱۳۹۱. مصاحبه، در: تحول در علوم انسانی، ج ۳، دیدارها و مصاحبه‌ها. قم. کتاب فردا.
- ۲۰. کوئن، بروس. ۱۳۸۱. درآمدی به جامعه‌شناسی. محسن ثلاثی. تهران. توتیا.
- ۲۱. محمدی، علی؛ دنیوی، محسن؛ گودرزی، میثم. ۱۳۹۲. تحول در علوم انسانی، ج ۲، مقالات. قم. کتاب فردا.
- ۲۲. _____، ۱۳۹۱. تحول در علوم انسانی، ج ۳، مجموعه دیدارها و مصاحبه‌ها. قم. کتاب فردا.
- ۲۳. منصور، شرمین. ۱۳۸۵. «مدیریت دانش». ماهنامه صنعت خودروی، شماره ۱۰۲.
- ۲۴. واسطی، عبدالحمید. ۱۳۹۱. مصاحبه، در: تحول در علوم انسانی، ج ۳، دیدارها و مصاحبه‌ها. قم. کتاب فردا.